

فرم های غیر شخصی impersonal forms

در زبان فارسی فرم هایی وجود دارند که غیر شخصی نامیده می شوند و زمانی استفاده می شوند که بخواهیم درباره ی موضوعی عمومی، کلی یا مودبانه صحبت کنیم.

در این شرایط از مصدر کوتاه فعل استفاده می کنیم.

- مصدر کوتاه و ریشه ی فعل در زمان گذشته گفته می شود. رفتن: رفت

این ساخت ها شخص و زمان ندارند و همانطور که از اسمشان معلوم است، غیر شخصی هستند. فعل های غیر شخصی را چگونه می سازیم؟

میتوان | نمی توان | می شود | نمی شود | باید | میباید | بشود | بتوان + ریشه ی گذشته فعل اصلی

مثال:

شاید بتوان گفت که تبریز سردترین شهر ایران است.

اینجا نمی شود سیگار کشید.

گاهی برای گفتن چیزی به طور کلی از کلمه **آدم** استفاده می کنیم :

آدم باید خیلی مواظب باشد.

فعل های یک شخصه

فعل هایی هستند که در هنگام صرف فعل فقط با یک شخص (**سوم شخص**) صرف می شوند.

این فعل ها مفعول ندارند و ضمیر پیوسته (**م، ت، ش، مان، تان، شان**) شخص فعل را نشان می دهد.

نمونه: یاد رفتن

یادمان رفت	یادم رفت
یادتان رفت	یادت رفت
یادشان رفت	یادش رفت

در مورد فعل هایی که آخر آنها **ه** است به جای ضمیرهای (م، ت، ش) از ضمیرهای **(ام، ات، اش)** استفاده می کنیم.

نمونه: گرسنه شدن

گرسنه مان می شود	گرسنه ام می شود
گرسنه تان می شود	گرسنه ات می شود
گرسنه شان می شود	گرسنه اش می شود

بعضی از فعل ها دو شکل دارند:

گرسنه بودن، گرسنه شدن

گرسنه ام می شود | گرسنه هستم

تعدادی از فعل های تک شخصه:

دل تنگ شدن، دل سوختن، برخوردن، غصه گرفتن، خشک زدن، لج گرفتن، خواب بردن، خواب گرفتن، خواب آمدن، خنده گرفتن، یاد رفتن، یاد آمدن، درد گرفتن، گریه گرفتن، خوش آمدن، بد آمدن، سرد بودن، گرم بودن، حیف آمدن، مات بردن، زور آمدن، سخت بودن، بس بودن، غصه شدن، حرص گرفتن، دیر شدن، دل گرفتن، دل باز شدن، حوصله سر رفتن، گذر افتادن